

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید بهشتی
۲۲ می ۲۰۲۱

به کار گرفتن خمپاره گاز سمی در غزه



۱. نامه عابد شکری از غزه – شاهد عینی
۲. تأیید وزارت بهداشتی غزه، مرگ قربانیان خفگی بر اثر گاز سمی

نامه عابد شکری در باره اوضاع در نوار غزه

برگرفته از تلاکسکالا – ۲۱ مه ۲۰۲۱

<http://tlaxcala-int.blogspot.com/2021/05/even-cemetery-was-bombed-abed-skokry.html>



دکتر عابد شکری (زاده ۱۹۷۵) در دانشگاه اسلامی غزه مهندسی اقتصاد تدریس می کند. وی ۲۰۰۷ مقيم غزه گشت، پس از آن که ۱۷ سال در المان می زیست. او غالباً به دوستان و آشنایان خویش در المان مطالبی در باره اوضاع فلسطین می نویسد. این آخرین نامه اوست که از المانی به فارسی ترجمه شده است.

خانم ها و آقایان محترم، دوستان عزیز

غزه، ۱۴ ماه مه ۲۰۲۱ – (۱۹۴۸ – ۷۳ سال اشغال)

- برق نیست، تنها کارخانه تولید برق تقریباً قطع کرده است زیرا سوخت برای تولید نیرو نیست. سوخت از اسرائیل می رسد و تشکیلات خودگردان فلسطین و قطر بهایش را می پردازند.
- آب لوله کشی نیست و اگر زمانی به جریان افتد فقط به درد شستن توالت می خورد وگرنه فایده ای ندارد زیرا آب آن شور است.
- در بیمارستان ها به ندرت دارو یافت می شود و بیماران باید آن را خود تهیه نمایند اگر در داروخانه ها اصلاً موجود باشد.
- معادن به ندرت هست و از معدن گازی که مقابل ساحل غزه یافت شده، ما اجازه نداریم و نمی توانیم استفاده کنیم.
- محل کار برای اشتغال نادر است. قریب ۳۰۰ هزار فارغ التحصیل دانشگاهی داریم که دستکم بچلر داشته و در جست و جوی کار هستند. آنها بخوبی آموزش دیده اند.
- در غزه به ندرت از زندگی می توان سخن گفت و آنچه نیز هست از کنار ما می گذرد.
- اما در غزه مردان و زنان بی پروائی هستند که حاضراند هر کاری را برای حفظ میهن خویش انجام دهند. برای آنان مهم نیست که زنده بمانند یا بمیرند. زیرا زندگی را یا باید بدرستی گذرانند یا که زندگی نکرد.
- از آغاز دوره جدید درگیری نظامی، ما (زنم، فرزندانم و من) به ندرت خوابیده ایم. برای ما شب ها نیز بسیار سخت بوده، شب های ما از زمانی که ما دوباره در غزه زندگی می کنیم بدترین شب ها بوده اند. بدتر از شب های ۲۰۱۴.
- شدت حملات هوایی اسرائیل بسیار به ما فشار می آورد. خانه ما تکان می خورد و می لرزد. به طوری که گویی در همسایگی ما اتفاق افتاده باشد. وحشتناک است. غیر قابل تصور و تحمل است. نمی توان آن را شرح داد. من این احساس را دارم که خلبان های اسرائیلی از تک تک ما، از فرزندان ما نیز نفرت دارند وگرنه نمی توانم درک کنم چطور آنها به عمد بر ساختمان هایی بمب می اندازند که می بینند در آنجا کودکان خوابیده اند (خوابیده بودند، زیرا اکنون دیگر مرده اند). شمار کشته شدگان که اکثرشان غیر نظامی بوده اند، باز هم افزایش یافته است. تا کنون که جمعه شب است ۱۲۲ تن کشته شده اند، شامل بر ۱۳ خردسال. این کودکان آیا جنگندگان محس بوده اند؟ نزدیک به ۸۰۰ تن مجروح شده اند که علاوه بر بیماران کوید ۱۹ می باید مداوا می گشتند – اگر اصلاً دارو، پزشک و تخت بیمارستان به میزان کافی موجود می بود.

دیشب حملات سخت تر بود، شدیدتر و از جهتی متفاوت. زیرا خانه ما می لرزید و می لرزید. تکان می خورد، تکان می خورد و تکان می خورد، به هنگامی که در همسایگی ما بمبی اصابت نماید. صدای آن بسیار مهیب است، بسیار ترس آور. من فکر می کردم مانند یک فلم جنگی امریکائی است. اما متأسفانه بسیار واقعی است. چهار شب پشت سر

هم بی خوابی، هم من، هم بچه ها و هم همسرم. آنگاه انفجار خمپاره های کیمیائی در محله های مختلف شهر غزه و در شمال نوار غزه. چشمان ما دیشب می سوخت و مشکل تنفسی داشتیم. این فلم وحشتناکی است که ما در میان آن هستیم، بدون آن که خودمان خواسته باشیم. ما بزرگسالان می ترسیم و آن را از فرزندمان نمی توانیم بدرستی پنهان کنیم. اینها را من به سختی می توانم بیان کنم.

ما فکر می کردیم روز قیامت رسیده است. زیرا یکبار ۸۰ فروند و یکبار ۱۶۰ هواپیما مساحت ۳۶۵ کیلومتر مربع نوار غزه را با راکت می زدند، نیروی بحری همکاری می کند و سایر مکان ها را نیز تانک ها از کنار مرز غره زیر آتش می گیرند. بسیار بی رحمانه و غیر انسانی. آنچه را ما تجربه می کنیم، از هر چه قابل تصور باشد بیشتر است. دیروز ساعت ۶ صبح ۸۰ بار بمباران در یک دایره ۶ کیلومتری، عرض ۵ دقیقه انجام شد. فرزندان ما از فرط وحشت جیغ می کشیدند و من خدا خدا می کردم نکند بمب ها در نزدیکی منفجر گردند. زیرا شیشه های پنجره هائی که از هم می پاشند و دیوار هائی که می ریزند می توانستند زود موجب جراحت گردند.

من دیگر توان نوشتن ندارم، تحمل من طاق شده است، این را حس می کنم. اما با ایمیل های بسیاری که از شما دوستان دریافت می کنم خود را توانا تر حس می کنم و می گویم تمام آنچه به فکر می رسد و آنچه روح را عذاب می دهد برایتان شرح دهم..

از هر دو طرف تیراندازی ادامه دارد. کشور اسرائیل با ارتشی که از قوی ترین ارتش های جهان است و مبارزان فلسطینی با راکت های خودساخته.

همین چند هفته پیش بود که من از راکت های آتش بازی صحبت می کردم. اکنون من گفته خود را پس می گیرم زیرا آنها قادرند انسان را مجروح نمایند.

در حالی که در سوی اسرائیل پناهگاه هائی برای محافظت وجود دارند، نزد ما هیچ پناهگاهی نیست. این است که ما در مقابل حملات هوائی اسرائیل بی پناه هستیم. فقط چند ساختمان هست که زیرزمین دارند. خانه آپارتمانی که ما در آن زندگی می کنیم نیز فاقد زیرزمین است. لذا زمانی که اسرائیل ما را از روی شفقت خبردار می کند که عرض ۶۰ دقیقه جائی را بمباران خواهد کرد معلوم نیست کجا برویم. انگار همه جا جنگندگان حماس زندگی می کنند. اگر شما مقیم یک خانه آپارتمانی باشید آیا می دانید همسایه شما کیست؟ آیا همه را می شناسید؟ آیا سخن بردن از به اصطلاح خسارات جنبی به نابود ساختن خانواده ها مشروعیت می بخشد؟

در این بین در اینجا ۱۲۲ تن کشته شده اند که ۳۱ خردسال و ۲۰ زن در میان آنهاست و سایر کشته شدگان نیز غالباً غیرنظامی اند. زیرا بر اساس اطلاعات مطبوعات تعداد کمی از کنشگران بر اثر حملات کشته شده اند.

از غزه نیز راکت هائی پرتاب گشته و می گردد که تا کنون ۹ تن را کشته اند. من قصد ندارم رنج را با رنج مقایسه کنم. اینکار را نمی کنم. با اینحال ارقام، دارای پیام هستند.

امیدوارم که هرچه زودتر آتش بس بتواند برقرار گردد تا خونریزی های بیشتر متوقف گردند. از رسانه ها و اخبار المان این برداشت به دست می آید که اسرائیل به ویژه پیشنهاد صلحی را که مصر مطرح ساخته است رد کرده. پیشنهاد مزبور قطعاً با توافق حماس همراه بوده است.

من از خشونت متنفرم و با این که خشونت را برای حل اختلافات به کار برند مخالفم، صد در صد بر این باورم که خشونت فقط موجب رنج گشته و جز آن حاصلی ندارد.

ما نمی خواهیم تحت اشغال زندگی کنیم، می خواهیم آزاد باشیم، می خواهیم زندگیمان را خودمان تعیین کنیم، می خواهیم با ما برابری رفتار گردد، همانگونه که انسانها، در دنیای آزاد هستند.

آخر چگونه ممکن است که نه فقط اسرائیل، بلکه آنطور که به نظر می رسد، همه جهان این حق را برای ما قائل نیست. از ما فلسطینیان زمین غصب گشته است. ما را ویلان و زندانی کرده اند و نه اسرائیل را. خانواده من از اسرائیل کنونی به غزه رانده شده. ما نسبت به آنچه زمانی بر سر همسایگانمان آمده مقصر نیستیم. چرا دنیا نمی خواهد این را بپذیرد؟ می خواهد آن را به رسمیت بشناسد؟

افکاری در زمینه این اوج گیری: حقیقتی که همواره فراموش گشته و نا دیده گرفته شده است این است که ما تحت اشغال زندگی می کنیم.

اول از همه می باید اشغال برای همیشه پایان یابد. بدون هر گونه قید و شرطی. مرزهای ۱۹۶۷ را همه ما فلسطینی ها پذیرفته ایم (حمس نیز پذیرفته است) با بیت المقدس شرقی در نقش پایتخت. ما از ۵۴ سال پیش تحت اشغال زندگی می کنیم. هیچ ملتی و هیچ شخصی نمی تواند این را بپذیرد. در رسانه های المان در باره خشونت ارتش اسرائیل در مقابل جامعه فلسطین و خشونت اشغالگران اسرائیلی گزارش نمی شود. من یک پرسش تحریک آمیز دارم: آیا این بمباران فعلی موجب صلح مطلوب می گردد؟

با اطمینان کامل پاسخ من نه است. یک سوال دیگر می پرسم. اسرائیل از ما چه می خواهد؟ ما ۷۰ سال است در خصومت زندگی می کنیم. این برای ما چه حاصلی داشته است؟ هیچ! همینطور برای اسرائیل هم هیچ. آخر نمی شود همواره همسایه را، فلسطینیان را سرکوب نمود و فکر کرد، به عنوان اسرائیل می توان در صلح زندگی کرد.

من قادرم تصاویر بسیاری را از برج های مخروبه، خیابانها، مدارس، بانک ها، از کودکی های دزدی شده به شما نشان دهم. از اینکار صرفنظر می کنم. تصاویری نیز از جسد های کودکان هست. از آنها نیز صرفنظر می کنم. آنها در درجه اول اهداف نیروی هوایی اسرائیل بودند. فراموش کردم مراکز امنیتی و پاسگاه های پولیس را نیز ذکر کنم. همه آنها تخریب گشتند. حتا گورستان نیز بمباران گشت.

دیروز عید فطر بود، عید پس از ماه رمضان. برای خانواده ها این عید اهمیت مشابهی دارد با کریسمس برای مسیحیان دنیا. این عید را ما جشن نگرفتیم. فرزندانم به آن بسیار دل بسته بودند.

دختر بزرگ ترم برای امتحان دیپلم درس می خواند. امیدوارم امتحانات مزبور برگزار گردند. او قصد دارد پزشک شود، در صورتی که مقدمات آن فراهم باشد. من برایش امیدوارم که به آرزویش برسد و این که او و سایر فرزندان جوان ترم بتوانند در صلح و آزادی زندگی کنند. این را برای همه کودکان دنیا آرزو می کنم.

من امروز نامه را در اینجا به پایان می رسانم و امیدوارم که این (درگیری) بزودی پایان خوبی داشته باشد. اگر گاهی شاید افکارم تکراری بوده است مرا ببخشید. واقعاً مشکل است همه چیزهایی را که مرا تحت تأثیر قرار داده اند و می خواهم با شما در میان بگذارم، بنویسم. اینها همه مرا خسته نیز می کنند.

با درودهای غمناک

عابد شکری

۲ - وزارت بهداری غزه مرگ قربانیان خفگی بر اثر گاز سمی را تأیید می کند

خبرگزاری وفا - ۱۳ مه ۲۰۲۱

<https://english.wafa.ps/Pages/Details/124437>

غزه، پنجشنبه، ۱۳ مه ۲۰۲۱ (واف ا) - امروز وزارت بهداری تأیید نمود که عده ای از فلسطینیان توسط گاز سمی که از جانب راکت های اسرائیل در نوار اشغالی غزه آتش شده اند بر اثر خفگی جان داده اند.

وزارت مزبور گفت که عده ای از قربانیان حملات دائم اسرائیل به نوار غزه در مجموعه پزشکی الشیفاء تحویل گشته اند که پس از آزمایشهای قضائی خفگی علت اصلی مرگ آنان تشخیص داده شد. پزشک دادگاه تشخیص داد که قربانیان علائم جلدی که نشاندهنده این که احتمالاً گاز سمی تنفس شده است داشته اند که نمونه برداری برای آزمایشات بعدی صورت گرفت.